

پژوهش های

ایـــــــران شنـــــــاسی

پـرســش و پــاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

مجموعه مقالات وبگاه ایران شنــاسی

«آسیب رسانی تــوده هــا»

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

سال های

۱۳۹۲-۱۳۸۶

نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده

******

توده زدایی و نخبه گرایی!

۱-آسیب رسانی تــوده هــا!

نگارش و نمایش نخست : ۱۳۸۶/۱۱/۲۹. ویرایش دوم ۱۳۹۱/۲/۱

پرسش :

با درود و ادای احترام ! در جایی نوشته اید :" تا پیش از غلبه ی تفکر غربی بر جوامع شرقی ، در شرق عموماً و در آسیا خصوصاً اصل اساسی پرهیز از همتراز سازی انسان از دیرباز زیربنای ساخت قدرت و جامعه را تشکیل می داد و بقا و استمرار همین اصل به قوام قدرت و استقرار جامعه می انجامید . در ایران باستان فرهنگ و آیین ، مبتنی بر خلق و خوی انسان آریایی بود و همین اصل ساختار طبقاتی قدرت و جامعه ، اقتدار و بقای شاهنشاهی را در پی داشت" مستدعی است این کلام سربسته را برای خواننده بگشایید.

پاسخ:

در آیین نوین نیز به گزند و آسیب رسانی توده های فرومایه توجه بسیار شده است . در آموزه های شیعی در اوصاف توده های فرومایه آمده است :«آنان کسانی هستند که هرگاه گردآیند چیره شوند و هرگاه پراکنده گردند شناخته نشوند!»ن.ک: نهج البلاغه . کلام قصار ۱۹۹ . **در شرح این سخن آمده است: «غوغاییان ؛ توده های فرومایه و عوام الناس هر جامعه را گویند که هوچی گرند و هیاهوگر ، سیاهی لشکرند و آتش افروز معرکه ! در قالب دسته ها و گروه ها و احزاب سیاسی به جان جامعه و اجتماع می افتند!» . حسن بصری در توصیف توده های فرومایه گوید :« اینان سیاهی لشکر ارباب قدرت و ثروت و قاتلان پیامبران و آگاهان اند » . در وصف توده ها گفته اند :« توده های فرومایه مانند دریا اند که هرگاه توفانی شود سواره اش را غرق می سازد !» برخی گفته اند :« توده ها را ناسزا نگویید که آنان آتش را خاموش سازند و غرق شده را نجات دهند و رخنه ها را می بندند » . جاحظ گوید :« توده ها ؛ هیاهوگران و نادانان اند ، همه شان سر و ته یک کرباس اند که در هر عصر و نسلی از هر جا باد وزد به همان سو روند و اگر باد در باد وزد و فتنه در فتنه خیزد از این سو به آن سو شوند . بامدادان مرگ باد گویند و شام گاهان درودباد و زنده باد ! اینان افرادی پست ، بی اصل و نسب ،**

فرومایه ، بی نام و نشان ، بی هویت و نادان جوامع اند » .مأمون عباسی می گفت :« همه ی بدی ها و تیرگی ها و ستم ها در جهان از همین توده های فرومایه ی هیاهوگر بر می خیزد . اینان قاتلان پیامبران و اختلاف انگیزان میان دانشمندان و سخن چینان میان دوستان هستند . دزدان و راهزنان و شیادان و کلاه برداران و جاسوسان و مزدوران قدرت های سیاسی ، مذهبی حاکم بر روزگاران اینان می باشند.»...ن.ک: ابن ابی الحدید/ شرح نهج البلاغه ۳/شرح کلام ۱۹۹ **.و نیز در آموزه ی دیگر شیعی آمده است: « ناخوش باد چهره هایی که دیده نشوند مگر به هنگام بدکاری«!** ن.ک: نهج البلاغه . کلام قصار ۲۰۰ **. در شرح این سخن آمده است: « پیامبران و پیشوایان دین هرگز عوام پرور نبوده اند ، اما صاحبان قدرت و ثروت همیشه عوام پرور و فرومایه پرور بوده و هستند تا آنجا که در ستایش توده های فرومایه و اراذل و اوباش که سیاهی لشکر قدرت طلبان هستند حدیث ساخته و در مدح شان گفته اند :« خداوند این دین را به وسیله ی مردمی یاری کرد که از خیر بهره ای نداشتند ». و دیگری گفته :« سفیهان و فرومایگان تان را گرامی دارید که آنان شما را در نار و عار یاورند«!** ن.ک:ابن ابی الحدید/ شرح نهج البلاغه ۳/شرح کلام ۲۰۰

.

فیلسوفان غربی نیز دهه هاست که در نقد از تفکر غربی مبنی برهمترازسازی انسان و پیامدهای آن به این نتیجه رسیده اند ! فیلسوف معاصر اسپانیایی «خوزه اورتگا ای گاست» (Jose Ortega y Gassett. 18883- 1955) در کتاب « شورش توده ها»= (La revolte des mass , Paris . 1956) می گوید: « زوال تدریجی ارزش ها و سلسله مراتب و اصول ، از بین رفتن «اشرافیت فکری» و سرآمدان (الیت= نخبه ها)متفکر موجب می شود که انسان هایی پدید آیند که نه تاریخی دارند و نه ریشه ای . این انسان ها به علت نداشتن هیچ پیوندی با هیچ آرمان متعالی و تهی بودن ، می توانند به آسانی بازیچه ی هر تجربه ی نو و ، در نتیجه ، طعمه ی «بت های بازاری» گردند . اینان چون «هویت» ندارند ، مقهور هوی و هوس اند ، مدعی اند بی آنکه وظیفه ای بشناسند ، طالب رفاه اند بی آنکه به هیچ ارزشی اعتقاد داشته باشند . این افراد فاقد هرگونه «اشرافیت فطری» اند ، به عبارت دیگر ، به معنی راستین کلمه « اسنوب » هستند . این پدیده ی نو ظهور شامل هیچ طبقه ی خاص و معینی نیست . مانند این افراد میان مایه – که افق دیدشان محدود به حصار دلگرم کننده ی یک شغل یا یک حرفه ی تخصصی است و از ندای بیکران هستی دلهره دارند – در هر جا و هر طبقه یافت می شوند. این سبکباران ساحل ها را می توان در میان طبقه کارگر جستجو کرد یا طبقه ی بورژوا یا میان دانشمندانِ یک بُعدی که راز هستی را محدود به حوزه ی حرفه ای خود می دانند . اینان را می توان بالاخص میان عالمان علوم جدید که به نظر «اورتگا» "عالمان جاهل" اند به خوبی باز شناخت . زیرا این افراد در آنچه که مربوط به رشته ی تخصصی شان می شود ، عالم اند ولی در آنچه مربوط به فرهنگ و تفکر و آرمان های ممتاز بشریت می شود افرادی میان مایه یا به قول «اورتگا» " انسان های توده ای " هستند . این

توده ها نه فقط متوسط اند و فرومایه بلکه گستاخ نیز هستند . چه این ها ذوق مبتذل ، ارزش های متوسط و خواسته های بی مایه ی خود را بر همگان تحمیل می کنند و همه ی اقلیت ها را زیر آوار خود می گیرند و با یورشی که بی شباهت به غریزه ی هندسی حشرات نیست ، همه چیز را یکسان و همتراز می کنند. »

نک: L'ASIE FACE A L'OCCIDENT . pp. 78-79 + (1883-1955) The revolt of The masse(1930)by: Jose Ortegay Gassett





اَلـدِّراسـاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحث و الكاتب الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH